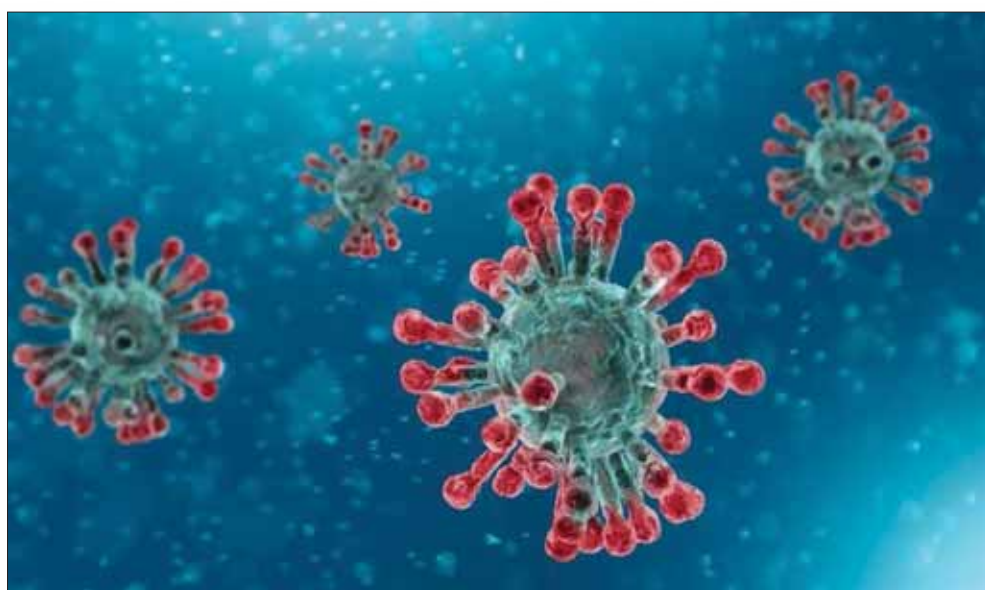


تنور داغ کلاس علوم

خانه
پروفایل مدیر وبلاگ
لینک دو وبلاگ



در این هفته،
وبلاگ خانم صبوری
با دو پست به روز
شده است. ببینیم
پست‌ها در مورد چه
ماجرایی از کلاس و
تدریس او هستند.

چهارم اسفندماه

دارم طرح درس علوم شنبه را آماده می‌کنم و نیم‌نگاهی هم به صفحه تلویزیون دارم. دارد زیرنویس می‌کند که مدرسه‌ها فردا تعطیل‌اند، اما من دلم نمی‌آید از سر طرح درس بلند شوم. از صبح فضای مجازی پر از اخبار کرونا بود. از اخبار فوتی‌ها و مشکوک‌ها گرفته تا توصیه‌های بهداشتی و غذایی! موضوع درس آینده‌ام تولید مثل است. دارم فکر می‌کنم چطور می‌توان درس را به زندگی روزمره بچه‌ها متصل کرد؟ زنگ پیام‌گوشی‌ام به صدا در می‌آید. معاون مدرسه در گروه مدرسه نوشته است که والدین خیلی نگران ویروس کرونا هستند. گفته‌اند باید سطوح نیمکت‌ها در روز چندین بار با الکل تمیز شوند. حالا می‌پرسد چطور برنامه‌ریزی کنیم؟ بودجه‌اش را از کجا تأمین کنیم؟

با خودم فکر می‌کنم: عمر ویروس‌ها چقدر است؟ چطور تکثیر می‌شوند؟ لپ‌تاپم را باز و جست‌وجو را آغاز می‌کنم. همین‌طور که دارم اطلاعات موجود در صفحات را می‌خوانم، نگاهم به کتاب علوم کنار دستم می‌افتد که روی صفحه تولید مثل باز مانده است. در همین لحظه ایده‌ای در ذهنم جرقه می‌زند. صفحه طرح درس را باز می‌کنم. دو سه خط نوشته شده را پاک می‌کنم و می‌نویسم: «تولیدمثل ویروس‌ها؛ ویروس کرونا»

هر چه مطالعه می‌کنم، چیزهای جالب‌تری در مورد ویروس‌ها می‌فهمم. سازوکار تولید مثل ویروس‌ها خیلی جالب است. آن‌ها وقتی به‌عنوان انگل وارد بدن موجود زنده می‌شوند، می‌روند به داخل سلول‌ها و هسته و سیستم ساخت پروتئین میزبان را در اختیار می‌گیرند و با همین سیستم شروع به تولید مثل می‌کنند. گفته شده است، ویروس کرونا در خارج از بدن موجود زنده تا ۹ ساعت می‌تواند زنده بماند و همین مسئله، درجه سرایت آن را افزایش می‌دهد. هر چه بیشتر می‌خوانم و طرح درس را وسعت می‌دهم، بیشتر ذوق‌زده می‌شوم! امیدوارم دوشنبه بچه‌ها هم از بحث خوششان بیاید و درگیر فرایند یادگیری شوند.

خانم صبوری پست را تمام می‌کند. تاریخ می‌زند و حسی از شادی در درونش می‌پیچد. حدود دو ساعت از نوشتن پست گذشته است که صدای پیام گروه از گوشی در می‌آید. صفحهٔ مدرسه است. خانم معاون عکسی آموزشی گذاشته است. خانم صبوری عکس را باز می‌کند. مطالب برایش آشنایند. مطالب کلاس امروزند، همراه با توصیه‌هایی مبتنی بر همان نحوهٔ زندگی و تولید مثل ویروس‌ها. زیرش نوشته است:

بچه‌های کلاس هشتم مدرسهٔ بانو نرجس! با تشکر از خانم صبوری، معلم علوم تجربی! عکس را که می‌بندد، چندین پیام در گروه مدرسه آمده است که همه از خانم صبوری و اقدام به موقعش تشکر کرده‌اند. خانم علوی که معلم ادبیات و مادر یکی از هشتمی‌هاست، نوشته است: بهار، امروز به خانه که آمد، برای ما جلسهٔ آموزشی گذاشت و مراحل رشد و زندگی ویروس کرونا را توضیح داد. بعد هم در مورد توصیه‌ها و علتشان صحبت کردیم. واقعاً باید از خانم صبوری به خاطر وقت‌شناسی و تدریس خوبشان تشکر کنم.

پیام‌های تشکر دیگر هم همین‌طور دارند از راه می‌رسند. این خانم علوی همان کسی است که اول سال از تدریس خانم صبوری انتقاد کرده و گفته بود با این شیوه‌های امروزی، بچه‌ها چیزی یاد نمی‌گیرند!

از دیدن پیام خانم علوی چشم‌هایش برق می‌زند و شادی در رگ‌هایش می‌دود. پادشاه به کلاس تربیت اسلامی دورهٔ تربیت معلم می‌افتد و بحث رابطهٔ نیاز و یادگیری! وقتی بحث به تناظر علم و نیاز رسیده بود، چقدر در مورد انگیزهٔ یادگیری و مسائل روزمرهٔ دانش آموز حرف زده بودند. یادش می‌آید استاد از اهمیت طرح درس و ارتباط یافتن آن با مسائل روز دانش‌آموزان سخن گفته بود. حتی یادش می‌آید استاد گفته بود شما در مقام معلم مثل صیاد هستید! باید مترصد فرصت‌های یادگیری در زندگی روزمره باشید. هر موضوعی که بتواند به درس شما متصل شود، هر دغدغه‌ای که بتواند جرقهٔ نیاز را در بچه‌ها روشن کند، هر مسئله که نیازمند حل است و ذهن بچه‌ها را به خود مشغول کرده است، می‌تواند تنور یادگیری و تدریس را گرم کند! امروز تنور کلاس علوم هشتم داغ داغ بود! ■

هفتم اسفند

وارد کلاس که می‌شوم، چندین نفر ماسک زده‌اند، حضور و غیاب که می‌کنم، دو سه نفر غایب داریم. می‌پرسم کجا هستند این بچه‌ها؟ فاطمه ذوالانوار می‌گوید: شاید کرونا گرفته باشند! می‌گویم نه ان‌شاءالله. گفته‌اند نوجوان‌ها کمتر درگیر می‌شوند، بعد، انگار بخواهم چیزی را شکار کنم، می‌گویم: اما کرونا و تو چه می‌دانی کرونا چیست؟ گوش‌ها تیز می‌شود!

می‌گویم، بچه‌ها درس‌مان به وسط درس تولید مثل رسیده بود، درسته؟ بله! کشداری در کلاس می‌پیچد، زهرا بیگی می‌گوید: خانم، تا سر هاگ‌ها! واقعاً هاگ به چه درد ما می‌خورد؟ می‌گویم: آفرین! بگویید چی به دردتان می‌خورد؟ فاطمه ذوالانوار و زهرا بیگی با هم می‌گویند: کرونا! می‌گویم آفرین! کرونا!

بچه‌ها باز هم جابه‌جا می‌شوند و با دقت بیشتری با کلاس همراهی می‌کنند. می‌گویم، امروز می‌خواهیم سازوکار تولید مثل ویروس کرونا را بررسی کنیم. شادی اویس قرن می‌گوید: چه خوب! واقعاً من نمی‌فهمم منطق توصیه‌های پزشکی این روزها چیست! چرا باید این کارها را نکنیم؟ نکنیم چه می‌شود؟ کلاً از اینکه راجع به سازوکار اثر و زندگی ویروس کرونا چیزی نمی‌دانم، عصبی‌ام! انگار قدرت کنترلش را هم ندارم.

بحث‌ها شروع می‌شود. می‌گویم: بچه‌ها! ویروس‌ها کلاً نوعی انگل هستند!

در طول مدت صحبت‌هایم همه می‌خکوب شده‌اند و گوش می‌دهند. سؤال و جواب‌ها جدی هستند. فکرها جدی‌اند. پیشنهادها جدی‌اند! تقریباً پایان بحث‌ها هستیم. زهرا وثوقیان می‌گوید: حالا معلوم شد چرا هنوز درمان ندارد، چون تغییر شکل می‌دهد! می‌شود مثل سلول‌های بدن! شادی کاظمی می‌گوید: چقدر هوشمندند این ویروس‌ها! همهٔ گام‌هایشان حساب شده است. انگار با انسان‌هایی میکروسکوپی مواجهیم! می‌گویم آره!

کلاس خیلی سرحال و درگیر است. فکر می‌کنم زندگی روزمرهٔ بچه‌ها ملات یادگیری‌شان شد!